

مرگ دلخراش مریم کوچولو در خانه شیشه‌ای پدر



پدر شیشه‌ای که به دنبال شکنجه‌های بی‌رحمانه، نوزاد ۸ ماهه‌اش را به کام مرگ کشانده در دادگاه سناریوی دروغینی را مطرح کرد.

وی مدعی شد، دختر نوزادش را کتک زده است اما نظر کارشناسان پزشکی قانونی و آثار خون روی دیوار، حقیقت را بر ملا کرد.

حوادث

ایران

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

تیرتیرا

جنایتی که دل همه را آزد

قتل هولناک بیتا ۱۶ ساله در عشق موازی

پسر جوان که در ماجرای عشق موازی دست به قتل هولناک بیتا ۱۶ ساله زده بود، دستگیر شد.



۱۶

ویزای رشته پزشکی در خارج همه را فریب داد

ثروت میلیاردی

در شکار دانشجویان رؤیاپرداز مرد کلاهبردار با وعده اعزام دانشجویان به خارج از کشور مبلغ ۲۴۰ میلیارد ریالی از کلاهبرداری کرد. در رویایشان دنبال صدلی دانشگاه در رشته پزشکی می‌گشتند یا خودشان را در خارج از کشور در حال تحصیل تصور می‌کردند.



۱۸

تصمیم شوم

نوعروس در خانه بی‌روح

نوعروس که رابطه مجازی‌اش با پسر فاش شده بود اصرار بر بی‌گناهی کرد و مدعی شد شوهرش را دوست دارد! همسرم خسته و بی‌حوصله بود و هر وقت می‌خواستم حرفی بزنم یا می‌گفتم بیرون برویم و چند دقیقه‌ای قدم بزنیم، طفره می‌رفت.

۱۸



عشق گمشده

سیاوش می‌دانست که بیشتر دخترهای فامیل که همسن و سالش هستند برای ازدواج با او بی‌علاقه نیستند، بی‌راه هم نبود، خیلی با کلاس حرف می‌زد، شیک می‌پوشید و از همه مهم‌تر خوب درس می‌خواند. با وجود اینکه در بیشتر میهمانی‌ها به خاطر داشتن مدرک حاضر نبود، اما از مامان مریم می‌شنید که دخترها چگونه سرانجامش را می‌گرفتند. مادرش از اینکه پسرش شخصیت جذابی داشت به خوبی می‌بالید، اما هیچ کس نمی‌دانست او دلپاخته دختر همسایه است و از این دختر بی‌اعتنایی می‌بیند.

شما برنده جایزه همراه اول شده‌اید!؟

ریاست باند کلاهبرداران از بند جنایتکاران زندان



باند کلاهبرداران تلفنی که طعمه‌های خود را با وعده جایزه همراه اول قریب می‌دادند در حالی دستگیر شدند که سرشبهه این باند از زندان اعضا را هدایت می‌کرد. به گزارش «ایران» این تماس از زندان رجایی شهر کرج، از سوی یک قاتل برای تأمین دیه با شما گرفته می‌شود! حقیقت ماجرا این بود که تماس از سوی یک قاتل برای تأمین دیه برقرار شده بود. اما قربانیان به جای این جمله، عبارت وسوسه انگیزی را از سوی فردی که از زندان با آنها تماس گرفته بود می‌شنیدند: این تماس از سوی اپراتور همراه اول برای اعطای جایزه خوش حساسی تان با شما گرفته می‌شود!



شیوه کارشان حرف نداشت!

این قدر تمیز و حساب شده کار می‌کردند که حتی وقتی مالباختگان به بانک مراجعه می‌کردند تا بفهمند چه بلایی سرشان آمده است کارمندان بانک دهانشان از بجر نیم هکری که همراه بانک آنها را هک کرده و حسابشان را خالی کرده بود باز می‌ماند.

اعضای این باند متخصص حرفه‌ای یا مهندسان تحصیلکرده نبودند. آنها فقط مسلط به مهندسی جامعه بودند! خیلی خوب می‌دانستند چطور حرف بزنند و چطور زبان بپرزد که فرد پشت خط تلفن فرصت نکند در طول چند دقیقه مکالمه‌ای که صورت گرفته بود، فکرش را جمع و جور کند و درست، حساب و کتاب کند تا به دام نیفتد. اتفاقاً عده‌ای از مالباختگان بعد از اینکه تلفن را قطع می‌کردند متوجه می‌شدند که اگر حواسشان را جمع می‌کردند، اشکال این تماس را می‌فهمیدند! مثلاً متوجه می‌شدند که پیامک ارسال شده روی گوشی آنها از سوی بانک نیست! اما فردی که پشت خط بود خیلی خوب می‌دانست روند صحبت را چطور پیش ببرد تا طعمه او بی‌توجهی کرده و فقط کد ارسال شده را سریع بخواند.

او در همان تماس کوتاه برای چند ثانیه‌ای طعمه خود را پشت آوای انتظار منتظر می‌گذاشت تا آن فرد مطمئن شود که تماس از جای مهمی گرفته شده است. سپس از ادبیاتی شبیه مجریان تلویزیون استفاده می‌کرد تا تأثیر روانی مثبتی برای جلب اعتماد روی فرد بگذارد. تمام این مهندسی‌های اجتماعی به علاوه اینکه سرشبهه کلاهبرداری از باگ‌های نرم‌افزارهای فرایند پرداخت مطلع بود؛ برگ برنده او برای

خالی کردن جیب مردم شد.

ماجرا چه بود؟

از مدتی قبل شکایت‌های سریالی شهروندان به پلیس فتا با موضوع کلاهبرداری تلفنی آغاز شد. شکایتان در طرح شکایات مشابه می‌گفتند که فردی با آنها تماس گرفته و خودش را اپراتور همراه اول معرفی کرده است.

سپس به آنها گفته بود چون مدت زیادی است که از همراه اول بدون تخطی استفاده می‌کنند، برنده فرعه کثیفی همراه اول شده‌اند. چیز زیادی از طعمه‌ها نخواستند و فقط می‌گفتند کد پیامک شده روی گوشی شان را بخوانند. آن فرد هم همین کار را می‌کرد اما بلافاصله بعد از خواندن این پیامک همراه بانک آنها هک شده و حسابشان خالی می‌شد. با وصول این شکایت به پلیس فتا، شبکه کلاهبرداری تلفنی شناسایی و دستگیر شدند.

سرهنگ داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتا در توضیح این ماجرا به خبرنگار «ایران» گفت: «با پیگیری‌های انجام شده اعضای این شبکه دستگیر شدند. سرشبهه این باند کلاهبرداری از زندان با مالباختگان تماس می‌گرفت و این تماس در حالی بود که نه از آنها می‌خواستند پای دستگاه خودپرداز بروند و نه تقاضای دیگری مطرح می‌کرد، اعتماد این افراد جلب می‌شد که کد ارسال شده روی گوشی تلفن همراهشان را بخوانند. کلاهبرداران با استفاده از باگ نرم‌افزاری به اطلاعات شخصی افراد هم دست پیدا می‌کردند و وقتی آن را برای طعمه‌های خود اعلام می‌کردند؛ اعتماد آنها جلب می‌شد. سپس با ترغیب‌های زیرکانه خود مکالمه را طولانی کرده که فرد متوجه پیامک‌های برداشت از حساب و

هک شدن حساب خود نشود.»

سرهنگ گودرزی در ادامه گفت: «تا کنون بالغ بر ۶۰ شکایت خود را ثبت کرده و ۸ نفر در این زمینه دستگیر شده‌اند. مبلغ کل کلاهبرداری این شبکه ۲ میلیارد تومان برآورد شده است.»

شیوه کار کلاهبرداران چه بود؟

اولین قدم این بود که عده‌ای از اعضای این باند کارت بانکی متشادان کارتن خواب را از آنها می‌خریدند. سپس آن را به چند نفر دیگر از اعضای باند می‌فروختند که با دو سردرسته باند در داخل بند زندان در ارتباط بودند. نام این دو سردرسته ورد زبان همه کسانی است که الان دستگیر شدند. چند نفری از اعضای باند آنها را ندیده و نمی‌شناختند. آنها فقط پول فروش کارت‌های بانکی را به جیب می‌زدند. اما می‌دانند که یکی از این افراد به اتهام قتل در زندان است و دیگری از جنگ پلیس متواری شده است.

افرادی که با سرشبهه‌ها در ارتباط بودند، شماره کارت‌های خریداری شده را برای آنها می‌خواندند. سپس سرشبهه به صورت تصادفی شماره‌هایی را انتخاب کرده و از طریق باگ‌های نرم‌افزاری اطلاعات شخصی آنها را استخراج می‌کرد. بعد تحت عنوان اپراتور همراه اول با صاحب خط تماس می‌گرفت و با ترغیب هکری خود اقدام به خالی کردن حساب می‌کرد. پول مالباختگان به کارت‌های خریداری شده واریز می‌شد و آخرین نفرات حلقه شرکت کننده در این شبکه، با آن کارت خرید می‌کردند؛ دلار، طلا یا سکه می‌خریدند که بعداً بتوانند دوباره آنها را تبدیل به پول کنند.

گفت و گو با متهمان

عرفان نام یک متعا ۲۲ ساله است که به اتهام

همدستی در باند کلاهبرداری اینترنتی دستگیر شده است. او در مورد نقش خود در این باند می‌گوید: «من از معتادان کارتن خواب کارت بانکی می‌خریدم و آن را به چند نفر می‌فروختم. اولین نفری که کارت‌های من را خرید، یک جوانی بود که تمام اطلاعات شخصی این کارها نداشت. کارت‌ها را ۲۵۰ هزار تومان می‌خریدم و ۵۰۰ هزار تومان می‌فروختم. این کار را هم فقط برای تأمین مخارج اعتیاد انجام می‌دادم. بلافاصله بعد از گرفتن پول آن را دود می‌کردم ولی گمان نمی‌کنم بیشتر از ۵ میلیون تومان تصبیم شده باشد. بعداً متوجه شدم که از این کارت‌ها برای کلاهبرداری تلفنی استفاده می‌کنند اما شیوه کارشان را نمی‌دانم. فقط می‌دانم که یکی از آنها در زندان رجایی شهر است و دیگری متواری است.»

دومین کسی که با او حرف می‌زیم پیرمردی است که کارت‌های بانکی را خریداری می‌کرد. او می‌گوید: «من کارت‌های بانکی را می‌خریدم و به افرادی که با اعضای باند در ارتباط بودند می‌فروختم. اما نمی‌دانم شیوه کلاهبرداری تلفنی آنها چطور بود. فقط می‌دانم در این مدت از زندان کلاهبرداری کرده است.»

متهم بعدی کسی است که ۱۰ فقره سابقه کفبری دارد. این بار هم به اتهام خرید کارت بانکی به نام افتاده است. او می‌گوید: «سرشبهه این باند به اتهام قتل در زندان است. او برای تأمین دیه قتل دست به این سرقت‌ها زده است.»

مالباختگان چه می‌گویند؟

مبالغ برده شده از حساب مالباختگان متفاوت است. از ۵ میلیون تومان گرفته تا کسی که به تازگی سنوات بازنشستگی‌اش را گرفته و ۴۰۰

میلیون تومان را یک جا باخته بود!

مرد جوانی که در تماس مالباختگان ۷ میلیون تومان خود را از دست داده است در گفت‌وگو با خبرنگار ما می‌گوید: «وقتی ما من تماس گرفته شد آقای پشت خط بود که خیلی مسلط صحبت می‌کرد. تمام اطلاعات شخصی من را داشت و حتی شماره ملی‌ام را هم گفت. من وقتی این اطلاعات را از زبان او شنیدم جای شکی برایم باقی نماند که او از طرف همراه اول تماس می‌گیرد. اما بعد از خواندن کدی که برای من ارسال شده بود متوجه شدم که از حسابم مبلغی کسر شده است.»

مرد میانسال دیگری در میان شاکیان است که مبلغ ۷۵ میلیون تومان از او سرقت شده است. او می‌گوید: «حدود ۲ هفته قبل بود که مردی با من تماس گرفت و گفت از صدا و سیما تماس می‌گیرد. می‌گفت من برنده جایزه خوش حساسی همراه اول شده‌ام. گفتم کلاهبردار که نیستی؟! گفت چرا چنین حرف زشتی به ما می‌زنید رئیس من اینجاست و می‌توانی با او صحبت کنی! بعد گفت می‌خواهم شما را دعوت کنیم تا جایزه تان را دریافت کنید. بعد هم گفت اگر هم بخواهید می‌توانیم به جای بن کارت به شما پول نقد بپردازیم. من هم طمع کردم و گفتم پول نقد بپردازید که تا آن محل نیایم! اما بعد از اینکه کد پیامک شده روی گوشی را خواندم مبلغ ۷۵ میلیون تومان از حسابم کسر شد.»

بنابراین گزارش تحقیقات در این پرونده کلاهبرداری ادامه خواهد داشت و رسیدگی به اتهام متهمان این شبکه کلاهبرداری در جریان روال قضایی ادامه پیدا خواهد کرد.

اشلیک ناموسی به عروس خیانتکار و مرد غریبه

محمد ۲۸ ساله بپردازند و خیلی زود پسر جوان در آبادان دستگیر و در بازرسی از مخفیگاهش نیز اسلحه وینچستر کشف شد و پسر جوان در همان صحنه دستگیری به قتل برادرش و مرد غریبه اعتراف کرد.

محمد در اعترافاتش به مأموران گفت: صبح زود به دریا رفته بودم و بعد از انجام کارهایم وقتی در حال بازگشت به خانه بودم مشاهده کردم که مهسا، زن برادرم با یک مرد غریبه در حال راه رفتن هستند، به آنها شک کردم و وقتی دیدم آنها با هم داخل خانه برادرم شدند دیگر نفهمیدم چه شد و به سمت خانه خودمان رفتم. پسر جوان ادامه داد: اسلحه وینچستر را از خانه برداشتم و به سمت خانه برادرم رفتم و این در حالی بود که هیچ چیزی مانع من نبود و خشمم مرا فرا گرفته بود.

زن و مرد جوانی هدف گلوله مرگبار قرار گرفته بودند و این در حالی بود که همگی زن جوان را می‌شناختند اما مرد جوان ناشناس بود.

رابطه پنهانی کارآگاهان دایره جنایی پلیس آگاهی آبادان و بازرسی ویژه قتل در محنه جرم تحقیقات را آغاز کردند و مشخص شد زن و مرد جوان هیچ نسبتی با هم ندارند و سناریوی یک جنایت ناموسی پیش روی تیم جنایی قرار گرفت.

تیم پلیسی در ادامه تحقیقات از اهالی محل پی بردند مرد جوانی که با اسلحه وینچستر از خانه زن جوان خارج شده است برادرشوهرش بوده که پس از شلیک‌های مرگبار سراسیمه از خانه خارج شده و پا به فرار گذاشته است. قتل ناموسی در آبادان همین سرزنش کافی بود تا کارآگاهان به ردیابی

پسر جوان وقتی دید عروس خانواده شان با مرد غریبه وارد خانه شدند در سناریوی هولناک با در دست داشتن اسلحه وینچستر دست به قتل ناموسی در آبادان زد. روز جمعه ۲۷ مهرماه سال ۱۳۹۸ بود که صدای شلیک چند گلوله سکوت را درهم شکست و اهالی منطقه شیطانی آبادان سراسیمه از خانه هایشان بیرون آمدند و ماجرای شلیک‌های هولناک به پلیس مخابره شد.

اهالی محل مشاهده کردند مرد جوانی با در دست داشتن یک اسلحه از خانه زوج جوانی خارج شد و با سرعت پا به فرار گذاشت. کشف جسد زن و مرد جوان خیلی زود مأموران در محل تیراندازی حاضر شدند و زمانی که وارد خانه محل شلیک‌های وحشت آور شدند با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند.

